

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

جو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل:

۲۰ جنوری ۲۰۲۳

اصلاح "صورت و سیرت" به چه معناست!؟

پنجشنبه - ۲۹ جدی ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت امروز بحث مختصری خواهیم داشت به ارتباط آخرین دستوری که رهبری طالبان به وزارت داخله نظام ملاسالار صادر نموده و از آن وزارت خانه خواسته تا در قید زمان معینی لشکر لگام گسیخته و "په خپل سر" طالب را از لحاظ "صورت و سیرت" اصلاح نماید و آنهایی را که به چنین اصلاحاتی گردن نمی گذارند، از صفوف طالب طرد کند:

۱- هرگاه صدور چنین فرمانی واقعیت داشته باشد و بخشی از افواهایی که در رسانه های اجتماعی انعکاس می یابند نباشد، نفس صدور چنین فرمانی به هر آدرسی که باشد، بیانگر آن است که رهبری طالب نه تنها از وضعیت سروصورت صفوف راضی نیست بلکه از لحاظ اخلاقی نیز آنها را انسانهای شایسته جهت حمل نمایندگی از یک ایدئولوژی و نظام ایدئولوژیک ندانسته و دستور به اصلاح آن صادر نموده است. یعنی سرانجام کور هم فهمید که دلدۀ شور است.

۲- تا جایی که به اصلاح صورت و ظواهر مسأله بر می گردد، افراد طالب عمدتاً با لباس های محلی مرکب از لنگی، پیراهن تنبان، واسکت، کرتی و یا جمپر، پتو و کفش از چپلی گرفته تا بوت های ساقدار ملبس می باشند. اکثریت این صفوف به همان سان که دارای ریش های بلند و "تیغ نخورده" اند، دارای چنان موی سر درازی نیز می باشند که می شود آن را "چوتی" کرد.

آنچه در این ظاهر امر چه از دید حاکمیت به منظور نظام مند ساختن افراد و چه از دید یک فرد عادی اجتماع قابل اصلاح است، از همان شکل بستن لنگی و در کجای سر گذاشتن آن، تا چگونگی "برزدن" پاچه ها، ترکیبی است از زندگی ساده و عادی یک طالب تا بسط و توسعه فرهنگ لومپنی که از طریق بستن لنگی و برزدن پاچه های شان، به طرف مقابل هویت شان را آشکار می نمایند.

غلبه فرهنگ لومپنیسم در صفوف طالب بیشتر در موی های دراز و کشال و گیسوان تابداری که می گذارند، خود را متباز می سازد. زیرا خلاف آن دوران هائی که گویا "یاغیگری" فرصت اصلاح سر و ریش را به آنها نمی داد اینک که حاکمیت را نیز در دست دارند و دیگر کمبود فرصت و امکانات به هیچ صورت مانع کوتاه کردن موی سر نیست و از لحاظ شرعی هم چون در هنگام وضو و مسح سر، آب به بشره و پوست سر با آن گیسوان بلند نمی رسد، و خطر ابطال وضو نیز در آنها وجود دارد، در نتیجه گذاشتن چنان موی های دراز و کشالی خالی از اشکال نیست، می شود

گفت دستور رهبری طالب مبنی بر اصلاح صورت افراد، امریست لازمی که می بایست از همان آغاز بدان پرداخته می شد.

۳- و اما به ارتباط اصلاح "سیرت" که می شود گفت به معنای ایجاد یک لشکر ایدئولوژیک متصف با تمام ارزش های اخلاقی و اسلامی، بحث یک مقدار تفاوت می نماید. زیرا:

*- اگر بپذیریم که سیرت شامل پذیرفتن ارزشهای اخلاقی، داشتن سلوک و پیشامد انسانی، اتصاف به تمام صفات منبعث از اعتقادات ایدئولوژیک، رعایت اکید ارزشهای فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی و ... است، توقع سیرت اسلامی از طالب، یعنی از یک فردی که در تمام عمرش سنگی را بالای سنگی نگذاشته تا به ارزش کار و دسترنج انسان آگاه باشد، در تمام عمرش هیچ گاهی در تولید نعم مادی و فرهنگی سهمی نداشته تا بداند چگونه به چنان ارزشهایی حرمت قایل شود، در تمام عمرش به جز کشتن و تخریب و استفاده غیر مسؤولانه از نعم مادی چیزی را فرا نگرفته تا امروز دست به تخریب نزند، در نتیجه وقتی فردی و یا نظامی بخواهد سیرت طالب را در این ساحات تغییر دهد، بدان معناست که دیگر طالب را زنده نگذارد و به جای انسان دیگری را به خدمت بگیرد؛

*- اگر بپذیریم که سیستم آموزشی و محتویات کتاب هائی که یک فرد در طول حیاتش با آنها ذهن خود را می سازد، در چگونگی شکلگیری شخصیت، سلوک و سیرتش نقش براننده دارد، اصلاح و تغییر سیرت طالب بدان معناست که باز هم می باید مغز طالب را کاملاً عوض کرد و در جای مغز پوسیده و گندیده طالب، مغز یک انسان، انسان متعهد و وفادار به انسان و انسانیت را گذاشت.

هموطنان گرامی!

اگر هیچ کسی از بیرون نداند طالب به خصوص رهبری شاید آن بخوبی می داند که برای بقاء و دوام حاکمیت شان تا چه اندازه نیاز به پرورش "طالب" طالب اصیل دارند. آنها می دانند که لومپنیسم نفوذ کرده در صفوف طالب چه از لحاظ صورت و چه از لحاظ سیرت، در مقطع کنونی بزرگترین دشمن آنها می باشد. آنها می دانند که همین حالا خطری که آنها را لومپنیسم حاکم بر صفوف شان تهدید می نماید، بیشتر از تمام خطرات احتمالی از جانب مخالفان و رقبای داخلی و بادران امپریالیستی شان می باشد. آنها می دانند که اگر جلو نفوذ، بسط و توسعه لومپنیسم را در صفوف شان مجدانه نگیرند، امروز دیر نخواهد بود که نظام ملاسالار به یک کاریکاتور خودش مبدل شده، به مانند دهه های گذشته، قشر آخذ، ملا و طالب مجدداً مورد تمسخر قرار خواهد گرفت.

به نظر من این تصمیم بیشتر از آن که در جهت ارائه خدمات انسانی برای مردم افغانستان باشد، عمدتاً برای بقای نظام ملاسالار و دوام حاکمیت قشر ملا و طالب گرفته شده است.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!